

فصلی از حقوق بین الملل خصوصی

قاعده نظم عمومی

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر در حقوق بین الملل خصوصی توجه علمای حقوق را بخود جلب نموده و کتب زیادی در اطراف آن نوشته اند قاعده نظم عمومی است علمای حقوق تعبیرات و تفسیرات مختلفی از قاعده نظم عمومی در تألیفات خود نموده اند اینک بطور خلاصه نظریات چند نفر از دانشمندان معروف را در خصوص نظم عمومی نوشته و سپس دایره حکومت قاعده نظم عمومی و اثرات آن را مورد بحث قرار میدهیم و درخاتمه از نفوذ قاعده مزبور در قوانین ایران صحبت خواهیم نمود

کلیات

علمای حقوق که طرفدار اصل شخصی بودن قوانین هستند معتقدند که قوانین باید درباره اتباع کشوری که قانون برای آنها وضع شده همیشه اجراء شود ولو اینکه در خارج از کشور اصلی خود ساکن باشند برای جلوگیری از اجرای کامل این اصل در حقوق بین الملل خصوصی منوسل بعلاجی شده اند که آنرا قاعده نظم عمومی مینامند - پس بطور خلاصه قاعده نظم عمومی علاجی است که بوسیله آن از اجراء قوانین خارجی در کشوری باوجودیکه قانون صلاحیت دار برای اجراء میباشد جلوگیری مینمایند مثلاً بموجب قوانین ایتالیا طلاق در آن کشور ممنوع است باید دید مثلاً دو نفر تبعه ایران که قانون کشور آنها امکان طلاق را بانها اجازه داده میتوانند در ایتالیا از دادگاه درخواست طلاق نمایند؟

آیا دادگاه ایتالیا درخواست طلاق دو نفر ایتالیائی

را طبق قوانین جاریه رد میکند و بلافاصله اگر دو نفر ایرانی تقاضای طلاق نمایند تقاضای آنها را میپذیرد؟

هرچند که اتباع خارجه در ایتالیا از حیث احوال شخصی مطیع قوانین مملکت متبوع خود میباشند مع هذا دادگاه ایتالیا از قبول درخواست طلاق دو نفر ایرانی خودداری خواهد نمود و در خواست آنها را باین استدلال که قانون منع طلاق در ایتالیا جنبه نظم عمومی را دارا میباشد و نمیتوان با اتباع خارجه اجازه داد که قانون دولت متبوع خود را که مخالف نظم عمومی است در کشور ایتالیا اجرا نمایند رد مینماید زیرا در نتیجه صرف از اینکه اجازه اجرای قانون دولت متبوعشان رجحانی است که دادگاه با اتباع خارجه نسبت با اتباع ایتالیا میدهد باید دانست که احساسات جامعه ایتالیائی را این اجازه جریحه دار خواهد ساخت .

در موانع نظیر بالا قوانین هر مملکتی متوسل بعلاجی میشوند تا بتوانند از اجرای قانون خارجی که قانون صلاحیت دار میباشد در کشور خود جلوگیری نمایند - قاعده نظم عمومی در سابق زیاد مورد توجه قرار نگرفته بود و آنچه که برپیدگی و ابهام آن میافزاید این است که در ممالک مختلف از آن قاعده تعبیرات و تفسیرات مختلفی کرده اند و بعلاوه دائره حکومت آن در همه جا یکسان نبوده و اثرات آن نیز متفاوت میباشد اینک در زیر بشرح هریک از آنها می پردازیم:

۱- جنبه قضائی و تعبیراتی که از قاعده

نظم عمومی کرده اند

الف - عقیده pillet - قوانین داخلی هر مملکتی

زیرا بعقیده pillet کلیه قوانین محلی هر کشوری دارای جنبه نظم عمومی میباشند ولی دلیل اینکه در حقوق بین الملل خصوصی مبحث مفصل جداگانه ای برای قاعده نظم عمومی باز شده این است که توسل باین قاعده مارا بنتابیچی میرساند که بدون توسل بآن تحصیل آنها ممکن نیست.

برای امکان بحث در اطراف قاعده نظم عمومی باید این فرض را بکنیم که قانون صلاحیت دار برای اجراء بموجب قوانین محلی داخلی کشوری قانون خارجی میباشد مثلا در موضوع قوانین راجع باحوال شخصی اغلب کشورها این اصل را قبول کرده اند که این قوانین شخصی و دارای صفت خارج المملکتی میباشد و قبول این اصل در قوانین کشوری این اصل را نیز جزء قوانین محلی و عمومی قرار داده است. در این مورد اگر فرض کنیم که اجرای قانون خارجی ولو مربوط باحوال شخصی باشد مخالف اخلاق حسنه و احساسات عمومی باشد با توسل بچه عاجی نمیتوانیم از اجرای آن جلوگیری کنیم اگر بیرو عقیده pillet باشیم از نظر اینکه قانون نظم عمومی همان اصل عمومی بودن قوانین است راه علاج مسدود است زیرا ناچاریم که قانون محلی را اجراء نمائیم و قانون محلی هم در این مورد قانون کشور دیگری را که اجراء آن مخالف اخلاق حسنه می باشد قانون صلاحیت دار معرفی کرده است تنها عاجی که میتوانیم بدان متوسل شویم همان قاعده نظم عمومی میباشد زیرا وسیله ایست که از جریحه دار شدن احساسات عمومی جلوگیری نموده و بمنزله سدی است که مانع اجرای قانون خارجی که قانون صلاحیت دار است میشود

با در نظر گرفتن مراتب بالا بخوبی معلوم میشود که قاعده نظم عمومی در مواقع استثنائی و بمنظور خنثی کردن اثرات اجراء قانون خارجی که مضر با احساسات عمومی و قانون صلاحیت دار هم میباشد بکار میرود بنا بر این قاعده نظم عمومی با اصل عمومیت قانون یکی نیست و دارای صلاحیت عادی نیز نمی باشد

خسرو اقبال

نا تمام

دارای دو صفت هستند اول - دائمی دوم - عمومی. قانون وقتی دارای صفت دائمی است که بطور دائم اثرات خود را در روابط حقوقی اعمال نماید و وقتی دارای صفت عمومی است که درباره تمام افراد و نسبت بتمام روابط حقوقی اجرا شود بعقیده pillet صلاحیت قاعده نظم عمومی عادی و طبیعی است و بعلاوه قاعده نظم عمومی با صفت عمومی بودن قانون یکی است و اختلافی با یکدیگر ندارند. pillet میگوید قوانین نظم عمومی تنها باید قوانینی باشد که حائز صفت عمومیت باشند و بین نظم عمومی و صفت عمومیت قانون رابطه لایتجزی موجود است که نمیتوان بین قوانین عمومی و قوانین نظم عمومی تفکیکی قائل شد. قوانینی که دارای صفت عمومیت میباشد قوانین نظم عمومی هستند و بالعکس قوانینی که دارای این جنبه نظم عمومی اند قوانین عمومی میباشد و چون صلاحیت قوانین عمومی در هر مملکتی قابل تردید و بحث نیست صلاحیت قانون نظم عمومی هم امری طبیعی میباشد و مسلم است که توسل به قاعده نظم عمومی بمنظور جلوگیری از اجرای قوانین خارجی امری عادی و طبیعی است زیرا قاعده نظم عمومی قانون عمومی و صلاحیت دار می باشد مثلا - اگر دادرسی ایتالیائی از دادن حکم طلاق بدونفر تبعه خارجه خودداری مینماید دادرسی مزبور قانون بخصوص دیگری را اجراء نکرده بلکه همان قانون عمومی ایتالیا که طلاق را منع نموده بموقع اجرا گذارده و بطور خلاصه pillet معتقد است که اصل عمومی بودن قانون با اصل نظم عمومی یکی است و از عقیده خود این نتیجه را میکشد که صلاحیت قانون نظم عمومی بمنظور جلوگیری از اجرای قانون خارجی بسیار عادی و طبیعی است.

بنظریه pillet این ایراد وارد است که اگر عقیده او را قبول نمائیم لازم میآید که کلیه قوانین محلی هر کشوری در آن واحد هم دارای صفت عمومی باشد و هم خاصیت نظم عمومی را دارا باشند بنا بر این توسل بقاعده نظم عمومی برای خنثی کردن صلاحیت قانون محلی موضوعی ندارد